

بررسی مفهوم مدیریت شهری در شهر اسلامی از دیدگاه متون و روایات دینی با رویکرد فراترکیب

فضل الله پژواک* - کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

Management of the Shiie Islamic cities

Abstract

Discussion on the Islamic city is: What characteristics and components of the important issues that need to be studied in the field of urban management in Islamic cities. Therefore, it seems necessary to answer such questions and to Islamic utopia recognition and its management by identifying and recognized components, the possibilities and provide recreation Shiite Muslim city. The Islamic utopia features and characteristics that will distinguish it from other cities and other countries. These features, in fact, refers to the approach to phenomena such as believer and Muslim world, the hereafter, man and the universe and God. In this article, descriptive - analytical and managerial qualities in Islamic cities in Shiite cities studied, with emphasis on theoretical and conceptual aspects of the analysis. At the end of the characteristics mentioned in detail theoretical and practical principles is phenomenal.

Keywords: urban management, city of Shiites.

بحث در خصوص این که شهر اسلامی چیست و دارای چه ویژگی ها و مؤلفه ای است از مهمترین موضوعاتی است که لازم است در حوزه مدیریت شهری در شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، به نظر می رسد پاسخگویی و طرح چنین پرسشهایی لازم تا آرمان شهر اسلامی بازنشانی شده و با شناسائی و احصاء مؤلفه های مدیریتی آن، امکان تحقق و بازآفرینی شهر اسلامی شیعی فراهم گردد. این آرمان شهر اسلامی دارای مؤلفه ها و ویژگی های خاصی است که آن را از سایر شهر و جوامع دیگر تمایز می کند. این ویژگی ها در واقع ناظر به نوع نگاه انسان مؤمن و مسلمان به پدیده های نظیر دنیا، آخرت، انسان، جهان و خدا است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به ویژگی های مدیریتی در شهرهای اسلامی با تاکید بر شهرهای شیعی پرداخته شده و ابعاد نظری و مفهومی آن واکاوی می شود. در پایان ویژگی های نظری و اصول پدیداری عملی آن به تفصیل مورد اشاره قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، شهر اسلامی، شهر شیعی.

مقدمه

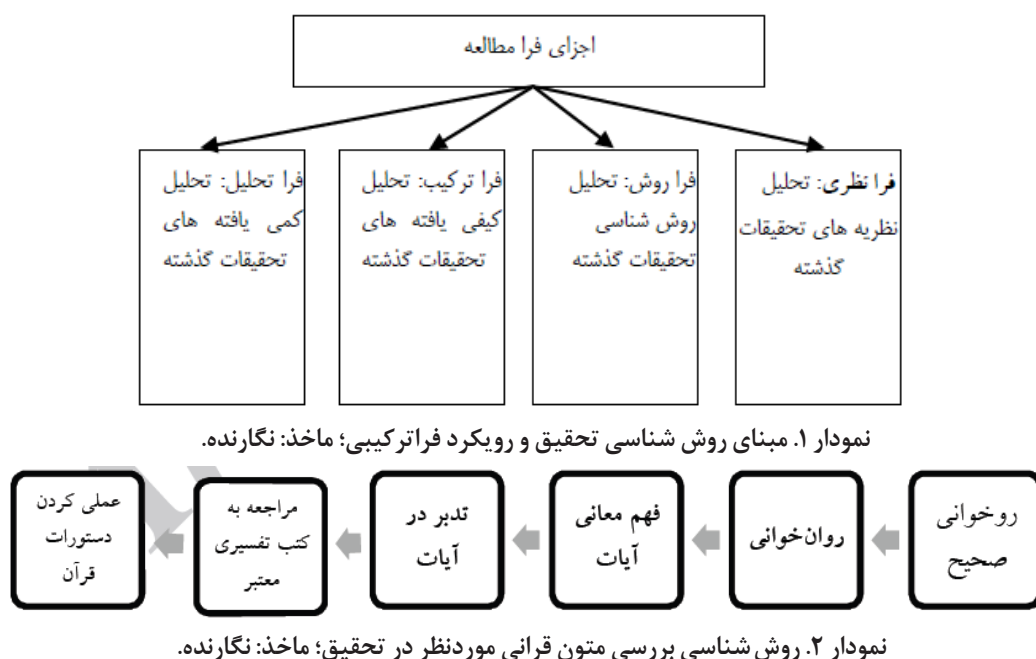
این وصف، رکنی مهم از ارکان تحول بخش توسعه جامعه دینی و الهی است و در ساختمان فلسفه سیاسی اسلام از جایگاهی والا و ممتاز برخوردار است، زیرا فلسفه سیاسی اسلام، فلسفه پویایی و بهکرد امور اجتماعی و نهاد حکومت و قدرت و کلیه ساختارها و واحدهای اجتماعی و در راستای ارزش های بنیادین اسلام است. مدیریت شهری، به واقع، مجری سیاست های کلی و بلندی است که ملهم از روح تعالی اسلامی است، که ذاتاً دارای ویژگی هایی متعالی و بلند و ارزشمند است؛ عمل گرا و زهدمدار است و از همین رهگذر است که مکانیسم پویایی جامعه اسلامی، در سایه مدیریت اسلامی شهری عملی گردد. در این مقاله برخی از این ویژگی ها و خصلت های مدیریتی شهرهای شیعی بیان شده و در این ارتباط اصول و خصلت های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که عبارت از: اصل حاکمیت خدا، عدالت و برابری، کرامت و بزرگواری انسان، امنیت، آزادی و اصل عطف و مسؤولیت نسبت به طبیعت می باشد. در ادامه به مفاهیم مرتبط با شهر اسلامی به تفصیل اشاراتی می شود و اصول حاکم بر شهرهای اسلامی در حوزه مدیریتی

امید به پیروزی نهایی حق و غلبه نیکی ها بر پلیدی ها و حاکمیت بهروزی و نیک فرجامی برای بشریت و برقراری ارزش های انسانی و تشکیل مدینه فاضله دینی یا آرمان شهر اسلامی، از مهم ترین امیدها، ایده ها و آرمان های بلند بشری است. این امید در همه ادیان الهی تجلی یافته و از جمله مشترکات مهم ادیان الهی محسوب می گردد. این مهم، با مقوله مدیریت مطلوب و بایسته، پیوندی ذاتی و ساختاری دارد؛ یعنی در فضای مدیریت عالی و مطلوب است که امیدواری اجتماعی و حاکمیت اندیشه های متعالی روی خواهد نمود و در این صورت است که آرامش اجتماعی، رشد اجتماعی و ارزش مداری و حق محوری، در درون واقعیتهای اجتماعی نهادینه خواهد گردید. مدیریت اسلامی، مدیریت ناظر به اندیشه های پویایی است، و دارای عنصر اثربخشی می باشد و این نوع از مدیریت، به واقع موجی از امواج کلی و قدسی امامت اسلامی است و در طول آن قرار دارد. ساختار این مدیریت، ذوب شدگی در حق، از هر مداری تقوایی، دوری از منفعت طلبی ها و شخص محوری هاست، که با

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۲۸



نمودار ۲. روش شناسی بررسی متون قرآنی مورد نظر در تحقیق؛ مآخذ: نگارنده.

فرضیات قدیمی	دیدگاه‌های نوین
(*) شهرها مسأله‌زا و مشکل‌آفرین هستند؛ (*) روستاها هزینه شهرها را می‌پردازند؛ (*) شهرها روز به روز بزرگتر می‌شوند؛ (*) سیاست‌های عمومی باید در راستای ایجاد محدودیت در اندازه شهری جهت‌دهی شوند؛ (*) مهاجرین برای شهرها مسأله‌زا و مشکل‌آفرین؛ (*) حاشیه‌نشان اقتصاد شهری و خدمات شهری را چپاول می‌کنند؛ (*) سکونتگاه‌های حاشیه‌ای منبع آشوب، جرم و جنایت و مواد مخدر هستند؛ (*) شهرها در انفجارهای جمعیتی سهمیم هستند؛ (*) شهرها و فقیران شهری تهدیدی برای تخریب محیطی هستند؛ (*) زباله‌های جامد و انسانی آشغال‌هایی هستند که باید دور ریخته شوند؛ (*) حکومت، برنامه‌ریزان و کارشناسان راه‌حلی برای مشکلات شهری ارائه می‌دهند؛ (*) برنامه‌های حکومتی، مسکن فقیران را تأمین می‌کنند؛ (*) حکومت شهری با اقتدار و برخورد از قدرت نظامی برای مواجهه با مشکلات مدیریت شهری ضروری است.	(*) شهرها منبع نوآوری و رشد اقتصادی هستند؛ (*) شهرها تأمین‌کننده روستاها هستند؛ شهر بزرگتر، فرصت‌های بیشتری را در اختیار می‌گذارد؛ (*) سیاست‌های عمومی باید در راستای بهره‌وری هر چه بیشتر شهرها جهت‌دهی شوند؛ (*) مهاجران برخوردار از انگیزه و مهارت‌هایی بالاتر از آنچه که به نظر می‌رسد هستند؛ (*) حاشیه‌نشینان در اقتصاد شهری سهمیم عمده‌ای دارند، اغلب بیش از آنچه که به دست می‌آورند؛ (*) اکثر خانواده‌های ساکن در حاشیه دارای ارزش‌های سیاسی میهن‌پرستی، مقاومت و بالاستقامت هستند؛ (*) شهرنشینی شاخصی از توسعه‌یافتگی است و با افزایش نرخ شهرنشینی، نرخ زاد و ولد کاهش می‌یابد؛ (*) تحول در عملکردهای (شیوه‌های تولید و مصرف) شهری برای پایداری اکولوژی جهانی ضروری است؛ (*) زباله منبعی ارزشمند است، به شرطی که در سیستم‌های چرخه‌ای بازیافت وارد شوند؛ (*) بیشتر راه‌حل‌های ابتکاری از پایین به بالا می‌باشند تا از بالا به پایین؛ (*) بخش غیررسمی ارائه‌دهنده اصلی شغل، درآمد و مسکن است؛ (*) مدیریت تمرکززدایی شده به طور کارایی بین نیازها و منابع ارتباط برقرار می‌کند و این ارتباط برای از بین بردن موانع ضروری است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۲۹

مورد بحث قرار می‌گیرد.

مواد و روشها

روش تحقیق این مقاله در مرحله اول بنا به ماهیت نظری تحقیق، «توصیفی-تحلیلی» است که از ابزار گردآوری داده مشتمل بر «مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی» بهره برده است. در ضمن در مرحله «استنباط نظری» از اجزای «فرامطالعه» بر اساس نمودار ۱ بهره برده است که مشتمل بر «رویکرد فراترکیب» بوده که به تحلیل کیفی یافته‌های تحقیقات گذشته پیرامون مفهوم مدیریت در شهر

اسلامی معطوف شده است. لذا در این مقاله با مراجعه به متون و نصوص دینی به بررسی مفهوم مدیریت و برنامه‌ریزی در قرآن کریم و روایات و احادیث پرداخته شده و بر اساس آنها اصول مورد نظر مدیریتی شهر در شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

مفهوم مدیریت

تعاریف و واژه‌های مختلفی برای مدیریت بکار رفته است:



نمودار ۳. مقایسه مدیریت اسلامی و مدیریت رایج؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

مدیریت اسلامی

مدیریت اسلامی شیوه به‌کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است. در متون اسلامی، نگاهی نزدیک به آنچه امروز علم مدیریت نامیده می‌شود وجود دارد. در حوزه مدیریت کلان و خرد اخباری از پیامبر اسلام و امامان شیعه در دست است. در روایتی از امام اول شیعیان آمده‌است «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (ترجمه: مردم ناگزیرند امیری داشته باشند، چه نیکوکار و چه تباه‌کار) و همچنین از پیامبر اسلام منقول است «إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ، فَلْيُؤْمَرُوا أَحَدُهُمْ» (ترجمه: هنگامی که سه نفر در سفر بودند، باید از یک نفرشان فرمان ببرند).

برنامه ریزی از مهمترین ابعاد نظری در حوزه مدیریت است که در اسلام نیز مورد توجه ویژه‌ای بوده است؛ چنانچه قرآن کریم نیز در این باره تأکیدات موکدی داشته است.

مدیریت شهری

مدیریت شهری را می‌توان سازمانی فراگیر و در برگیرنده اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و کارآمدی دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی

۱. «پاول هوس» و «کنتایچ بلانچارد» مدیریت را چنین تعریف می‌کنند: «مدیریت به کار کردن با افراد و گروه‌ها برای رسیدن به مقاصد سازمان گفته می‌شود. وظایفی هم که بر عهده مدیر گذاشته شده است نیز عبارتند از: برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و انگیزش» (پرهیزکار، ۱۳۸۲).

۲. «چاندلر» مدیریت را چنین تعریف می‌کند: «مدیریت بطوریکه بصورت معمول در اذهان عموم متداول گشته، عبارتست از اداره امور یک سازمان. مدیریت ممکن است شامل اداره امور تجهیزات و یا تسهیلات سازمانی باشد و یا اینکه شامل اداره امور مربوط به کسانی که عهده دار اداره تجهیزات و تسهیلات سازمانی هستند، باشد. یا به طور کلی ممکن است شامل اداره امور هر دو مورد فوق باشد. ولی به هر حال مدیریت چه برای تجهیزات و تسهیلات، چه برای مجریان یک سازمان و چه برای اداره امور اعضا یک سازمان همگی بایستی دارای منظور و مقصودی باشند که این منظور و مقصود را همان هدف سازمان گویند.

۳. از نظر «رابینز» و «دی سنزو»، «مدیریت عبارتست از فرایند انجام کارها به طور اثربخش و کارآمد به وسیله دیگران (پرهیزکار، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

جدول ۲. فراوانی برخی از مفاهیم مربوط به برنامه ریزی در قرآن کریم؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

عبارت	موضوع	تعداد
مشتقات (قدر)	به معنای اندازه و اندازه گیری	۲۳ مورد
مشتقات (دَبر)	به معنای تدبیر	۵ مورد
سئه آیام	آفرینش زمین در شش روز (برنامه ریزی در خلقت)	۱۰ مورد
عبارات مربوط به "السموات السبع"	خلقت هفت آسمان (برنامه ریزی در خلقت)	۹ مورد
اللیل و النهار	پیدایش و اختلاف شب و روز (برنامه ریزی در خلقت)	۴۷ مورد
الشتاء و الصيف	زمستان و تابستان (برنامه ریزی در خلقت)	۱ مورد
یحیی الارض بعد موتها	خواب زمستانی و بیداری در بهار (برنامه ریزی در خلقت)	۹ مورد
بغیر عمد ترونها	خلق آسمان ها بدون ستون قابل رؤیت (برنامه ریزی در خلقت)	۲ مورد



نمودار ۵. اصول برنامه ریزی در مدیریت اسلامی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نمودار ۴. برخی از تعابیر مربوط به برنامه ریزی در متون اسلامی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

عمومی کشور سازمانی عمومی و غیر دولتی است که دارای استقلال و شخصیت حقوقی بوده و تحت نظر شورای شهر و با نظارت وزارت کشور تاسیس می گردد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۴، ص ۸). بر این اساس، در متون فارسی در کنار مفهوم «مدیریت شهری» مفاهیم مشابه دیگری مانند «مدیریت شهرداری» و یا «مدیریت حکومت محلی» نیز مطرح است که بسیاری اوقات به جای یکدیگر به کار برده شده اند. با مرور منابع مربوط به مدیریت شهری تعاریف گوناگونی برای آن می توان یافت که حد و قلمرو هر کدام بسیار متفاوت است. آیا مدیریت شهری مترادف با یک «هدف عملیاتی» ، «یک فرایند» و یا «یک ساختار» است؟

و کالبدی حیات شهر تاثیر دارند و با ماهیت چندعملکردی در حوزه سیاستگذاری برنامه ریزی و اجرا بر آن هستند تا به اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر بپردازند و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق گردانند. همچنین باید به مفاهیمی همچون مدیریت شهرداری و یا مدیریت حکومت محلی نیز اشاره کرد که در کنار مفهوم مدیریت شهری مطرح می شود. در بیشتر مواقع نیز مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه حکومت محلی شناخته می شود و شهرداری نام می گیرد (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۲). در ادامه به برخی از تعاریف شهرداری اشاره می شود: شهرداری بر اساس ماده ۵ قانون محاسبات

مفهوم محتوایی مدیریت شهری

از محتوای مدیریت شهری تعاریف متفاوتی شده است:

۱. برخی اوقات مدیریت شهری به مثابه اجرای سیاست قلمداد می‌شود یعنی به عنوان اداره امور عمومی، و در جای دیگر مدیریت شهری را با اجرا و برخی ویژگیهای خاص دیگر تعریف می‌کنند که آن را فراتر از مفهوم اداره می‌برد، برای مثال با ایجاد بستری برای مداخله بیشتر بخش عمومی با پذیرش نقش فعالتر در توسعه شهری این امر امکان پذیر می‌گردد.

۲. یا برای بانک جهانی، مدیریت شهری یک رویکرد شبه بازرگانی در حکومت و اداره شهر است که ممکن است به استفاده مؤثر و کارآمد تر منابع منجر شود (Mattingly, 2011, 1994).

۳. به اعتقاد شارما (Sharma, 1989)، مدیریت شهری مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که در تعامل با هم توسعه اقتصادی، کالبدی و اجتماعی نواحی شهری را شکل داده و هدایت می‌کند. بنابراین اصلی ترین وظیفه مدیریت شهری، مداخله در این نواحی با هدف ارتقای توسعه اقتصادی و بهروزی مردم و نیز تأمین خدمات ضروری است.

۴. راکودی (Rakodi) نظر مشابهی دارد. هدف مدیریت شهری، مدیریت اجزای سیستم شهری است به نحوی که کارکرد روزانه سیستم را ممکن ساخته و با تشویق همه انواع فعالیتهای اقتصادی بستری فراهم آورد تا ساکنان قادر باشند به نیازهای اساسی خود شامل مسکن، کالاها یا خدمات عمومی و نیز فرصتهای درآمد ساز دسترسی داشته باشند. هردوی این محققین معترفند که مدیریت شهری مسئولیتی استراتژیک است که با نتایج و تبعات عملیاتی نیز همراه است (Mc Gill, 1998: 464). به طور کلی برای اداره امور عمومی شهر دو پارادایم وجود دارد:

در پارادایم نخست که «حکومت» نام دارد، شهرداری مسئول تمام امور است. این نهاد موظف است تمامی

خدمات را برای شهروندان فراهم کند. این پارادایم به سبب مسائلی مانند پیچیدگی روزافزون زندگی و کاهش توان مدیریت‌ها در حل مسائل شهری و از بین بردن یا تضعیف قوه استدلال و ابتکار عمل شهروندان با چالش‌های جدی مواجه شده است. در پارادایم دوم که «حکومت‌داری» نام دارد، مسئولیت اداره امور عمومی میان سه نهاد شهرداری، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. هریک از این سه نهاد به طور مشترک در قبال مسائل پاسخگو هستند (ایمانی جاجرودی، ۱۳۸۳، ص ۹).

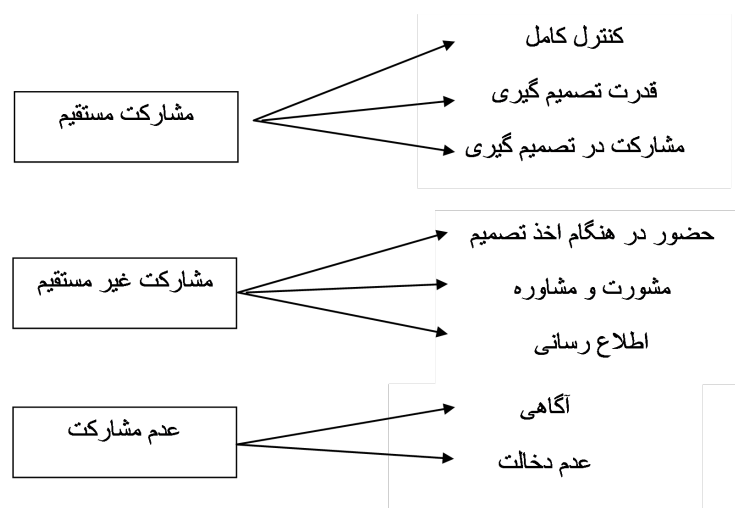
مدیریت شهری دموکراتیک

اصول برنامه‌ریزی شهری مدرن و نتایج آنها از حدود دهه ۱۹۶۰ به بعد مورد انتقاد جدی کسانی مثل «رابرت ونتوری» نویسنده کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری» (۱۹۶۶) و «آلدو راسی» ایتالیایی مؤلف کتاب «معماری شهر» (۱۹۶۶)، «جین جاکوبز» آمریکایی نویسنده کتاب «تولد و مرگ شهرها در آمریکا» (۱۹۶۱) و بسیاری کسان دیگر قرار گرفت که جوهر همه آنها نگرانی از رشد کمی‌شهرها، بی‌هویتی و یکسان‌سازی آنها و بی‌توجهی به سرزندگی و کیفیات انسانی و فرهنگی در شهرها است. به نظر «مارشال برمن» برنامه‌ریزی شهری مدرن روایت و تصویر دیگری از شهر ارائه داده است: جهانی که به لحاظ فضایی و اجتماعی به پاره‌هایی مجزا تقسیم شده است، اینجا مردم، آنجا ترافیک، اینجا کار، آنجا خانه، اینجا اغنیا، آنجا فقرا و در میان آنها موانعی از چمن و سیمان (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳). در خصوص پیشینه این رویکرد می‌توان اشاره داشت:

۱. «برنامه‌ریزی عدالت‌گرا و حمایتی»: «داویدف» (۱۹۶۵) و «کرومهلز» (۱۹۸۲) که در آنها کانون برنامه‌ریزی از کارکردگرایی، دغدغه‌های مربوط به مسایل فنی و کاربری زمین به سمت مباحث مربوط به تفاوت‌ها و پرسش سیاسی چه کسی، چه چیزی را در کجا و در چه زمانی بدست آورده و چه کسانی

عرصه‌ها سطوح	اقتصادی؛ مالی	کالبدی (کاربری زمین)؛ زیست محیطی	اجتماعی؛ فرهنگی	سازمانی؛ اداری
ملی؛ ایالتی	↔	↔	↔	↔
منطقه‌ای؛ کلان شهری	↔	↔	↔	↔
محلی؛ شهری و محله‌ای	↔	↔	↔	↔

نمودار ۶. فرایند برنامه‌ریزی یکپارچه؛ ماخذ: نگارنده.



نمودار ۷. نردبان هشت پله‌ای مشارکت‌ارنشتاین؛ ماخذ: Healy, ۲۰۰۵: ۲۶

در خصوص این مسایل تصمیم می‌گیرند سوق داد. ۲. انتقادهای «مارکسیست‌ها»، نظیر «کاستلز» (۱۹۷۸)، «اسکات و راویز» (۱۹۷۷) و «فاینشتاین» (۱۹۸۲) به فرایند برنامه‌ریزی از این جهت که منابع قدرت را تعقیب می‌نماید. زیر سؤال برده و برای نخستین بار، داعیه بی‌طرفی و فن‌سالارانه آن فرایند برنامه‌ریزی را به چالش کشیده است (مارک اورانجی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱).

۳. با واکنش‌های انتقادی به برنامه‌ریزی عقلانی، برنامه‌ریزی شهری برای نجات خود به تدریج به سمت توجه به اجرای برنامه‌ها و توجه به اهداف برنامه‌ها و مشارکت مردم و در این راستا جذب اندیشه‌های اجتماعی، اخلاقی و مشارکتی روی آورد. ضرورت توجه برنامه‌ریزی شهری به فراتر از اهداف کالبدی- فنی و توجه به خواست‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم، ضرورتاً برنامه‌ریزی شهری را با عرصه‌های دیگر مثل کیفیت محیط، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندان مرتبط می‌سازد (مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۸۱).

۴. در واقع دموکراسی مستلزم این است که میان منافع عمومی و منافع خصوصی گروه‌های مختلف اجتماعی، نوعی هماهنگی و همکاری متقابل رعایت گردد. تحقق این امر، بی‌تردید، نوعی برنامه‌ریزی آگاهانه و دموکراتیک را نیاز دارد (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴).

۵. این تغییر رویکرد و نگرش در برنامه‌ریزی شهری به‌طور عمده منطبق با این ایده است که شرایط سیاسی- اجتماعی، سازمان مدیریت و اجرا

و میزان مشارکت همگانی، نقش مؤثرتری در تحقق سازماندهی مطلوب شهری و کیفیت آن ایفا می‌کنند (همان، ۱۳۸۲، ص ۵۱۸).

در قلمرو برنامه‌ریزی شهری، مشارکت شهروندان به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱. «مشارکت علمی و فنی»: همکاری نهادهای بخش عمومی با مؤسسات حرفه‌ای و تخصصی برنامه‌ریزی شهری در زمینه تهیه طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و عمران؛
۲. «مشارکت اقتصادی»: جلب همکاری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری؛

۳. «مشارکت اجتماعی»: همکاری تشکلهای صنفی و جمعی محلی در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه و عمران شهری و نظارت بر آنها (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۲).

در ادامه به این مدلها به اختصار اشاره می‌شود:

۱. «مدل شهردار قوی»: از این مدل در بسیاری از کشورهای اروپایی و سایر کشورهای جهان استفاده می‌شود. در این شیوه بر اصل رهبری سیاسی تأکید می‌شود که در قالب شهرداری تبلور می‌یابد و جایگاه آن مشابه ریاست جمهوری در سطح یک شهر است و وی مسئول اجرای تصمیمات شورا نیز می‌باشد (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸-۱۳۹).
۲. «رهبری جمعی»: در این مدل جمع مرجع تصمیم‌گیری است که توسط کمیته اجرایی تشکیل می‌شود و مسئول اصلی این کمیته بعضاً اعضای شورا

هستند و معمولاً سرپرستی آن را شهردار به عهده دارد. لیکن اجرای امور به گونه رهبری جمعی است. مدل دیگر کمیسیونی است که این رهبری توسط یک کمیسیون اجرایی تخصصی انجام می‌گیرد. و بطور کلی درون‌مایه و قلمرو اختیارات آن را عموماً شورا تعیین می‌کند.

۳. «شورا - مدیر شهر»: در این الگو کلیه وظایف اجرایی در اختیار یک مدیر متخصص که از سوی شورا انتخاب شده قرار دارد. در این نظام شورا دارای اختیارات کلی در ارتباط با سیاست‌های عمومی است، اما شهردار انحصاراً ریاست شورا را به عهده دارد. این الگو در کشور ایالات متحده آمریکا در بسیاری از ایالت‌ها وجود دارد.

۴. «گردهمایی»: صورت دیگری از حکومت‌های محلی است که در شهرهای جهان به ویژه در کشور ایالات متحده حاکم است. در این مدل هیأت منتخبین در مواقع ضروری خواستار برگزاری نشست و یا گردهمایی شهر می‌شوند و در این نشست موضوعات مطرح و سپس رأی‌گیری می‌گردد. اعضای این هیأت توسط شهروندان انتخاب شده‌اند.

ویژگی‌های شهر اسلامی

اصل توحید و خدامحوری

حاکمیت و مالکیت پروردگار بر هستی نیز مطلق، تجزیه ناپذیر و انتقال ناپذیر است فرمانروایی بر کون، به جز برای خداوند، از آن کسی نیست و نه می‌تواند باشد و نه کسی حق دارد که خود را شریک و سهم در آن بداند و اگر کسی هم چنین ادعایی

جدول ۳. پراکندگی جغرافیای الگوهای مختلف حکومت‌های محلی در اروپا؛ منبع Margre and

Bertrana, ۲۰۰۴, P: ۳.

ردیف	مدل حکومت‌های محلی	کشورهای مجری الگوها
۱	شهردار قوی	اسپانیا؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ پرتغال؛ مجارستان
۲	رهبری جمعی	بلژیک؛ هلند؛ لوکزامبورگ؛ جمهوری چک
۳	رهبری توسط کمیسیون	دانمارک؛ سوئد؛ لتونی
۴	شورا - مدیر شهر	فنلاند؛ ایرلند
۵	سایر موارد	انگلستان؛ مالت

جدول ۴. انواع مدل‌های مدیریت شهری و مزایا و معایب آنها؛ منبع: آخوندی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴.

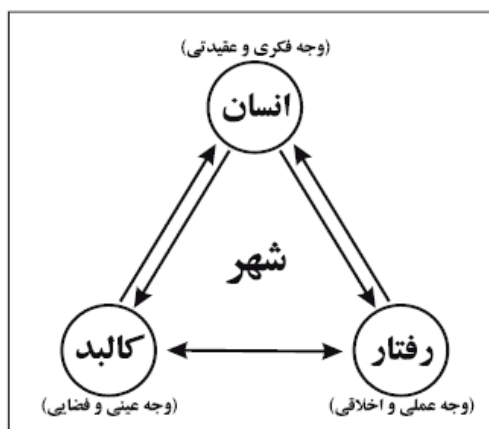
نام مدل	مزایا	معایب
شهردار-شورا	(*) شهردار ضعیف - شورا نمایندگی منتخب به دنبال برآورده کردن نیازهای شهروندان است. (*) کاربرد آن در شهرهای کوچک بخوبی پاسخ داده است.	(*) فقدان رهبری قوی؛ (*) قدرت هرمسئولیت پراکنده است؛ (*) خلاء قدرت سیاسی قوی باعث سیاست‌زدگی و ماشینی شدن می‌گردد.
شورا - مدیر	(*) رهبری قوی با مسئولیت‌پذیری متمرکز؛ (*) سیاست‌سازی و اجرا را تسهیل می‌بخشد.	(*) حجم زیاد وظایف برای یک فرد مشکل است؛ (*) شهردار نمی‌تواند صرفاً با اتکال به یک نیروی متخصص عمل کند.
شورا - کمیسیونی	(*) مدیرمتخصص مسئولیت را به عهده دارد؛ (*) شورا توسط سیاستها و خط‌مشی‌ها شهرا کنترل می‌کند؛ (*) شهر به صورت یک بنگاه دیده می‌شود.	(*) فقدان رهبری قوی؛ (*) عدم تمایل مدیر به سیاست‌سازی؛ (*) مدیر در انزوا قرار می‌گیرد
گردهمایی شهری	(*) در شرایط بحرانی و اضطراری خوب است؛ (*) ساختار سازمانی ساده است؛ (*) اجرای سریع سیاستها و به موقع آن	(*) فقدان نظارت و پیچیدگی انتخاب در این شیوه؛ (*) نبود یک فرد به وظیفه اداره کل مجموعه بطور مشخص
گردهمایی شهری نماینده	(*) پیشرفته‌ترین نوع دموکراسی؛ (*) برای همه شهروندان حق رأی گذاشته شده و می‌توانند در اداره امور شرکت داشته باشند؛ (*) در جوامع محدود بسیار موفق است.	(*) انجام برنامه بلند مدت مشکل است؛ (*) استفاده از افراد متخصص مشکل است؛ (*) اطلاع‌رسانی در این مدل سخت است؛ (*) برگزاری جلسات به دلیل حضور افراد مشکل است.

کند، قادر به آن نیست. در شهر آرمانی اسلام، تک تک افراد به این اصول و نگرش رسیده‌اند و به این عالم تعلق دارند. با پذیرش اصل توحید و وجود خدا نگریشان به هستی، انسان سعادت، آخرت و روابط انسان با آنها دگرگون می‌شود. تحقق شهر و جامعه مطلوب دینی منوط به پیدایش عالم و مردمانی که به آیین تعالم تعلق دارند، می‌باشد. فرد مؤمن جهان را خالی از راز و رمز و دخالت خواست و اراده‌ی پروردگار فهم نمی‌کند، وی حضور خدا را در سرتاسر حیات و لحظه‌هایش درک می‌کند. علی‌رغم آنکه سعادت و خیر را در دنیای دیگر سراغ می‌گیرد،

از جهان مادی و نیازهای زندگی‌اش غافل نیست، جسورانه و خستگی‌ناپذیر در این جهان محدود مادی به تکاپو می‌پردازد و امید بر آینده‌ای درخشان دارد. اصل توحید، از این رو، چیزی جز فروتنی و فرمانبرداری و عبودیت خداوند و رد فرمانبرداری و فروتنی در برابر دیگر انسانها، اشیا و سلاطین نیست. توحید در وهله‌ی نخست نفی طاغوت است و در وهله بعد اعتراف به عبودیت پروردگار می‌باشد به غیر از او نباید، فردی را به عنوان «مالک و دافع مضار و جاذب منافع» برگزید به غیر از او پذیرش هر آقا و سروری نادرست است و نباید بجز فرمان

و دستور او، دستوری را پذیرفت. در هر صورت اصل توحید مستلزم آن است که انسان موجودی «آزاد و برابر خلق شده است و نباید تحت سلطه و اسارت قرار گیرد و اصل اساسی ربوبیت پروردگار است. با پذیرش اصل توحید و خالقیت خداوند و مالک بودن وی بر هستی، نوع نگاه به انسان و سعادت حقیقی وی نیز دگرگون می‌شود. در این چهار چوب انسان به منزله‌ای با ارزش‌ترین و گرامی‌ترین موجود، آفریده‌ی خداوند است. این موجود برخوردار از عقل، کرامت، عزت و اختیار است». دارای استعداد، تکامل، پیشرفت و ترقی می‌باشد. انسان موجودی دو وجهی است: دارای تمایلات عالی و انسانی دیگر برخوردار از غرایز و تمایلات حیوانی. سعادت حقیقی، علاوه بر برآورد شدن خواست‌های مادی و ضروریات حیات، در گرو کسب رضایت خدا و تأمین اعلی در سرای دیگر است.

زندگی دنیوی، علی رغم معایب و بدی‌هایش بیهوده و بی‌معنا نیست بلکه پیش شرط سعادت است و مرگ نیز پایان حیات نیست. با مرگ زندگی و دوره‌ی تازه‌ای در فرآیند تکامل آدمی آغاز می‌شود و گذار زندگی شرط اساسی این تکامل است. به عبارت دیگری دنیا و زندگی در آن مقدمه‌ی چنین فراشدی در حیات آدمی است و سعادت حقیقی

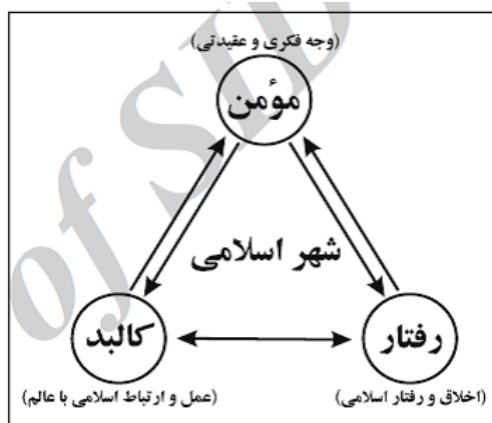


نمودار ۸. رابطه سه عنصر دخیل در شهر؛ ماخذ: نقی زاده،

۱۳۸۹.

نیز در دنیای واپسین کسب می‌شود. زندگی دنیوی و اخروی مرتبط و در تکامل با یکدیگرند و مرگ در دنیای مادی به منزله گسست در سیر تحول و تکامل انسان نمی‌باشد و در پیوند و پیوسته به آن است: «الدنيا مزرعه الاخره». انسانها پس چند صباحی زندگی در دنیا، از عالم مادی رخت بپوشانند و آنچه کشت کرده‌اند، در سرای دیگر درو خواهند کرد. در هر صورت انسان موجودی متکامل و دارای استعداد فاضل و اخلاقی شدن است، موجودی فراتر از سایر موجودات است و سعادتش در دنیای دیگر است. سعادت نیز چیزی جز کسب رضایت الهی نیست. سعادت‌ی که منوط به پذیرش اصل توحید و عمل به فرامین و نواهی الهی می‌باشد. انسان بدین ترتیب، موجودی بیهوده، رها گشته، سرگردان و بی‌هدف نیست. نه بیهوده خلق شده است و نه تصادفاً به وجود آمده است و نه با مرگ حیاتش پایان می‌گیرد و نه موجودی صرفاً مادی و حیوانی است که هیچ اختیار و اراده‌ای از خود ندارد. زندگی اش بیهوده و پوچ نمی‌باشد، انسان آفریده خداوند است و هدف وی، عبودیت و تأمین رضایت الهی است. به طور خلاصه در عالم دینی، مؤمنان به اساس اصل توحید به اصول ذیل ایمان دارند:

۱. هستی و جهان بیرونی مخلوق خداوند است و پدیده‌ای بیهوده، بی‌برنامه و نابه‌هنجار نیست
۲. انسان مخلوق خداوند است، دارای اختیار، آزادی و عقل می‌باشد و موجودی تکامل‌یابنده. دارای دو نوع غرایز و نیاز است: یکی مادی و دیگر معنوی سعادت حقیقی در گرو تأمین این دو نوع خواسته است و هدف اساسی کسب رضایت باری تعالی است که بدون عمل به فرامین و نواهی و خواست وی رسیدن به سعادت بی‌معنا است.
۳. در عالم دینی، فرد دیندار براساس اصل توحید و حضور خدا، به جهان ماورای طبیعت عالم غیب، معاد، بهشت، دوزخ، جهنم، و ملایک ایمان دارد. جهان را خالی از راز و رمز و حضور مدام خدا نمی‌بیند.
۴. در عالم دینی، فرد دیندار، حضور و دخالت



نمودار ۹. رابطه سه عنصر دخیل در شهر اسلامی؛ ماخذ: نقی زاده، ۱۳۸۹.

به وضوح روشن است.

عدالت

یکی از برترین و گرمی‌ترین آرمانها و اصول اساسی زندگی بشر، عدالت است. قرآن کریم هدف اساسی رسالت آسمانی تمامی پیامبران را برقراری عدالت می‌داند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان لیوم الناس بالقسط»^۱ در آیه فوق الذکر، اولین رسالت و هدف پیامبران و کتابهای آسمانی، استقرار عدالت است. آنها نه تنها برای چنین هدفی مبعوث شده‌اند بلکه باید برای تحقق و استقرار آن می‌بایست فعالیت نمایند. منظور از عدالت آن است که هر حقی به صاحب حق داده شود و هر کس بر اساس تواناییها و استعداد و ظرفیت خویش بهره و امتیاز گیرد نه بیشتر و نه کمتر و عدول از این اصل نیز به معنای عدول از اصل حق محوری و مرتکب ظلم و تعدی شدن است. در این چهار چوب فرق نمی‌کند که صاحب حق فرد، اجتماع یا هر چیز دیگر باشد. در اندیشه‌ی دینی عدالت و دادگری یکی از صفات عمده‌ی خداوند است و وی زمین و آسمان را به عدالت و دادگری آفریده است.^۱ و با وضع میزانه‌ی قسط و عدل، از انسان می‌خواهد تا به آن ملزم باشد و از آن تعدی و تجاوز نکند و براساس معیارهای دادگرانه رفتار کند. اسلام در

خداوند را در تمامی عرصه او زوایای زندگی خود مشاهده می‌کند زیرا خداوند حاکم و متعال ما یشاء می‌باشد. وی وجود خداوند و عنایات و الطافش را شرط ضروری زندگی و سعادت خویش ارزیابی می‌کند، گرچه خود را عاقل و مختار فرض می‌کند، در عین حال از الطافش بی‌نیاز نیست، و همیشه چشم به راه کرامت و فضل خدا است. چنین انسانی، برخلاف انسان امروزی، از آسمان هنوز نبریده و کماکان به آن احساس نیاز دارد.

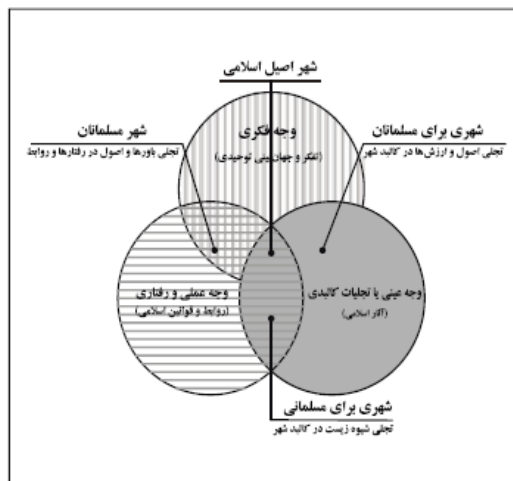
حفظ کرامت و عزت نفس آدمی

در یک جامعه آرمانی، انسانها دارای کرامت و عزت نفس‌اند و این عزت و کرامت باید حفظ شود و محور تمام تصمیمات و سیاست‌گذار نیز با چنین باشد. چنانچه می‌دانیم، در اندیشه دینی انسان موجودی، عاقل، مختار، شریف و برخوردار از کرامت، است. کرامت انسانی برترین گوهری است که خداوند تبارک و تعالی به انسان ارزانی داشت و به عین آن- انسان را از دیگر موجودات خود برتر و متمایز ساخت. عنصری که بر اساس آن انسان از سایر موجودات برتری یافت و تمام فرشتگان مأمور شدند که در برابر این کرامت کرنش کنند و او را بزرگوار و خود را خوار نمایند.^۱ در هر صورت فرشتگان مأمور به سجده بر آدم شدند و ابلیس چون از این فرمان سر بر بتافت، از درگاه الهی رانده شد و به سبب تکبرش، دشمن خدا گردید.^۲ نکته قابل توجه آنست که حفظ حرمت انسانها، در یک شهر اسلامی، متوجه همه‌ی انسانها است و هیچ فردی از این دایره خارج و مستثنی نیست. گرچه در جامعه‌ی اسلامی میان مسلمان و غیرمسلمان تفاوت‌های وجود دارد، اما هر دو در اینکه برخوردار از گوهر کرامت انسانی‌اند، شریک و همسان می‌باشند و همان‌گونه حرمت انسان مسلمان بر انسانها و قدرت سیاسی لازم است، حفظ کرامت انسان‌های دیگر نیز بر همگان واجب است چون انسانها در خلقت اولیه مفتخر به دریافت کرامت و روح خدایی شدند و این امر در سنت و سیره پیامبر و ائمه معصومین به ویژه حضرت علی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۳۷



نمودار ۱۰. رابطه سه گانه وجه فکری، وجه عملی و رفتاری و وجه عینی در شکلگیری شهر اصیل اسلامی؛ مأخذ: نقی زاده، ۱۳۸۹.

و وی انسانها را «برابر و آزاد» خلق نموده است. انسانها از بدو تولد، دارای هیچ امتیاز و برتری ذاتی و فطری نمی‌باشند تا مبنای برتری و نابرابری آنان گردد و احیاناً عده‌ای خویش را مستحق فرمانبرداری و دیگران را ملزم به اطاعت نمایند. آزادی و برابری انسانها وسیله‌ای فطری و الهی است و ریشه در فطرت و طبیعت انسان دارد و هیچ فردی حق سلب این حقوق از آدمی را ندارد، حضرت در این باره می‌فرماید: «ای مردم، حضرت آدم نه بنده‌ای ترسید کرده و نه کنیزی و همه مردم آزادند، لکن خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را بر بعضی دیگر سپرده است.»^۱

بر این اساس انسانها ذاتاً موجوداتی، مختار، عاقل و حاکم بر سرنوشت خویش‌اند و در برابر آن مسؤولند و مورد بازخواست قرار می‌گیرد. انسان در پذیرش و گزینش اصول و مبانی حیات و نظام فکری و عقیدی خود آزاد است و می‌تواند هر گونه که خواست زندگی خویش را تدبیر نماید. بر این پایه، یکی از حوزه‌های عمده‌ی آزادی انسان، «آزادی عقیده و وجدان» است و هیچ کس حق سلب این حقوق را از انسان ندارد و نمی‌تواند به هیچ قیمت و بهایی انسان را ملزم و مجبور به پذیرش عقیده و

وهله‌ی نخست انسان را فرا می‌خواند که با نفس خویشتن به عدالت رفتار کند و میان حقوق خود و خداوند و دیگران تعادل و هماهنگی لازم را ایجاد کند.^۲

قرآن کریم، رفتار دادگرانه و عادلانه را نیز معیار اساسی روابط فرزند با پدر و مادر و زنان و مردان میداند و به آن توصیه‌ی فراوان می‌کند. اسلام از مسلمانان می‌خواهد تا بدون آنکه علایق و روابط سببی، عاطفی و نسبی خود را ملاحظه کنند، با مردم به عدالت و دادگری رفتار کنند. از این‌رو وابستگی‌های عاطفی، احساسی، قومی، نژادی و انسانی نمی‌بایست فرد را از معیار عدالت و دادن حق به ذی حق باز دارد.^۳ این عدالت نه تنها متوجه مسلمانان و دوستان است بلکه متوجه دیگر انسانها و از جمله دشمنان و رقیبان نیز میباشد. قرآن در این خصوص به مسلمانان هشدار می‌دهد تا مبدا از معیار عدالت و انصاف با دشمنان خارج شوند: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین سید شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله»^۴ در آیه‌ی فوق‌الذکر به عدالت و دادگری، معیار ایمان، تقوی و قربت به خداوند ارزیابی می‌گردد و به انسانها در برابر بی‌عدالتی و بی‌دادگری از ترس خداوند بر ارتکاب آن، هشدار می‌دهد. سپس عدالت نه صرفاً قاعده‌ای اساسی در روابط میان مسلمانان بلکه قاعده‌ای عام و فراگیری است که شامل تمامی حوزه‌ها به جوامع و انسانها می‌شود و حتی اصل اساسی و فراگیر تدبیر تمام جوامع است. در آموزشهای دینی حتی در مورد کسی که سخن می‌گویم نیز باید سخن عادلانه و دادگرانه بگوییم و به هنگام عصبانیت و خشم می‌بایست از ادای گفتار ناحق، زشت، بی‌داد و ناروا خودداری کنیم.^۲ در مورد شهادت نیز رعایت اصل مذکور نیز اساسی است.^۳

آزادی و برابری

در آرمانشهر اسلامی، انسانها بنابر اصل توحید «آزاد و برابر» آفریده شده‌اند، تمامی انسانها آفریده خداوند

نظام فکری کند. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین»؛^۱ «امانت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین»؛^۲ «انا هدینا السبیل اما شاکراً و اما کفوراً»

در جامعه آرمانی اسلامی، نه تنها مردم مسلمان از آزادی عقیده برخوردارند بلکه دیگر پیروان و مذاهب نیز از آزادی لازم جهت انجام مناسک و مراسم مذهبی آزادند. گرچه آنان پایبند به نظام ارزشی و دینی متفاوتی هستند اما همیشه مورد حرمت و احترام و عزت‌اند مسلمانان نیز طبق بیان صریح قرآن حق آزار، اذیت و بدرفتاری و دشنام به آنان را ندارند: «و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله»^۱ در آیه‌ی فوق چنین تأکید بر آزادی بیان و عقیده در جامعه و حفظ حرمت و عزت انسان‌ها و احترام به عقاید و دیدگاه‌های متفاوت، مسلمانان را از بدرفتاری و تمسک به روش‌های غیراخلاقی و غیرانسانی برای هدایت و رفتار با انسانهای دیگر بر حذر می‌دارد. التزام مسلمانان به اصول دینی و الهی آنان را محقق نمی‌گرداند تا با دیگران آنگونه که خواستند و میل داشتند عمل نمایند. مقتضای اصول و مبانی دینی قرآن است که این اصول در هر شرایط و موقعیتی باید حفظ شود و نمی‌توان به انگیزه‌ی هدایت مردم به روش‌های غیراخلاقی تمسک جست چون انسانها علی‌رغم تفاوت‌هایی که در حوزه‌های اندیشه و عقاید با یکدیگر دارند، در عنصر انسانیت، عزت و کرامت با هم همسان و شریکند و این حرمت باید حفظ شود. قرآن کریم، برای حل اختلافات مذهبی و فکری و هدایت و گفتگو با یکدیگر مسلمانان را به توسل به بهترین شیوه‌ها و روش‌ها توصیه می‌کند و اذعان دارد که باید به طرق اخلاقی و احسن انجام گیرد زیرا در اسلام هدف به هیچ وجه وسیله را توجیه نمی‌کند. نمی‌توان برای گسترش و تحکیم ارزش‌های اخلاقی و الهی، به روش‌های غیراخلاقی و غیرانسانی متوسل شد. «لاتجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن»^۱

این نگرش در حقیقت بر این نکته برمی‌گردد که

اسلام برای انسانها ذاتاً حقوق، عزت و احتراماتی ویژه را قایل است و به راحتی از آن صرف‌نظر و چشم‌پوشی نمی‌کنند. انسانها علی‌رغم تفاوت‌های که دارند، دارای عزت، حرمت، کرامت، آزادی و حقوق انسانی و بشری‌اند و این حقوق باید حفظ شود و به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آن را پایمال کرد. خطاب حضرت علی (ع) به مالک اشتر به نحوی صریح این نکته را بیان و روشن می‌کند. «و میباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری چه رعیت دو دسته‌اند/ دسته‌ای برادر دینی تواند و دسته‌ای دیگر در آفرینش با تو همانند»^۲. انسانها، از اینرو آزادند، بر سرنوشت خود حاکم‌اند و نباید به راحتی از حقوق و آزادیها خویش چشم‌پوشی کنند و نباید به آسانی تسلیم ظلم و ستم شوند چون صفت مسلمانی این است: «لا یظلمون و لا یظلمون». قرآن در همین چهار چوب به مسلمانانی که در برابر آزادی کسانی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، خواسته است تا به پا خیزند و با آنان به مبارزه برخیزند: «و ما لکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا»^۱

در حوزه‌ی زندگی اجتماعی نیز بشر از آزادی حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان و آزادی انتقاد برخوردار است. وی به دلیل داشتن عقل، آزادی و اختیار شایستگی چنین امری را دارد. در نظام دینی حق تعیین رهبران و مدیران جامعه به مردم واگذار شده است و ویژه‌ی حضرت رسول اکرم و بر حضرت علی (ع) دیگر ائمه معصوم - علیه السلام گواه این امر است. آزادی بیان و انتقاد از دیگر حقوق انسانها در جامعه‌ی آرمانی است و هیچ کس در این چهارچوب فراتر از نقد و انتقاد نیست و هیچ کس نیز نمی‌تواند خود را از انجام این وظیفه‌ی دین‌تر بداند و آنرا در شأن خود نیابد چون امور اجتماعی و سیاسی و به ویژه برقراری حق و عدالت و انصاف پیچیده است و از سوی دیگر همه انسانها با محدودیت‌های علمی،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۳۹

فکری و معرفتی روبرو هستند و همچنین از خطا و اشتباه مصون نمی‌باشند، لذا آزادی بیان و بیان حقایق تلخ از حقوق ملت و مردم است. این امر در هر صورت مستلزم اداره‌ی بهتر امور، حذف خطا، بهره‌برداری درست از منابع شریک شدن در عقول دیگران است.

امنیت

مؤلفه دیگر شهر آرمانی در اندیشه دینی، وجود «امنیت» در تمامی عرصه‌های آن است. در نگرش دینی، خداوند موجودی امنیت آفرین است و یکی از صفات خداوند «السلام المؤمن» می‌باشد. ۱. مؤمن به دلیل پایبندی به ایمان به دین، هم خود را امنیت و هم امنیت بخش است. در قرآن کریم آیات متعددی بر این نکته تأکید دارد که «ایمان و پذیرش پیام الهی» امنیت بخش خواهد بود و به مردم می‌گوید به خدا ایمان بیاورید و عبادت کنید او را تا از خوف و ترس و وحشت در امان باشید. از این رو باید گفت که یکی از سرچشمه‌ای اصلی امنیت و ناامنی، ایمان و عدم ایمان به خداوند است. ایمان به وی برای انسان ایجاد آرامش، امنیت و دلگرمی می‌کند و در مقابل نفی و رد آن سایه‌ی ترس، خوف و وحشت و هولناکی است. ایمان به خدا و یادآوری ذکر وی چنانچه قرآن می‌فرماید، مایه‌ی آرامش و اطمینان است. ۲. چون ایمان به خدا موجب امید، آرامش و معنا و مفهوم به زندگی می‌باشد. اگر بگوییم بی‌معنایی و پوچ بودن زندگی از معنا، منبع اصلی تشویش و ناآرامی انسان است و امنیت و دل آرامی را از وی سلب می‌کند، باید بپذیریم که ایمان به وی نیز مایه‌ی قرار و تسکین آدمی است چون بدین ترتیب انسان از سرگشتگی، بیهودگی، تشویش، اضطراب، فناپذیری، مرگ، نابودی و ترس از بی‌فرجامی، رهایی می‌یابد. علاوه بر آن باید گفت: امنیت و آرامش اولیه‌ی انسان شرط اساسی حیات و شکوفایی استعدادها و تکامل انسانی است. در واقع باید گفت که امنیت روحی و روانی و ذهنی و آرامش معنوی انسان بر وجوه دیگر امنیت تقدم دارد و

شکوفایی و فعلیت استعدادهای آدمی در گام نخست مشروط به تحقق امنیت روانی و روحی است. لذا امنیت در وهله نخست باید از درون و وجود و هستی فرد سرچشمه بگیرد. تحقق استعدادها، تواناییها و تکامل انسان منوط به تحقق این امنیت است. در هر صورت در جامعه آرمانی و یک شهر اسلامی، اصل امنیت در حوزه‌های ذیل اساسی است: ۱. امنیت در انجام مناسک و عبادات؛ ۲. امنیت در حوزه پذیرش عقاید و اندیشه‌های گوناگون؛ ۳. امنیت جانی، مالی، شخصیتی و حیثیتی افراد؛ ۴. امنیت حوزه و حرم خصوصی افراد؛ ۵. امنیت اقوام و ملل دیگر؛ ۶. امنیت مظلومان و ستمدیدگان؛ ۷. امنیت در معابد و حریمهای الهی؛ ۸. امنیت موجودات و سایر حیوانات، پرندگان، زمین، و جانداران» در هر صورت ویژگی شهر اسلامی، امن و آرام بودن است. چنانچه در قرآن ذکر شده است، رفاه و امنیت به عنوان یکی از نعمت‌های الهی، یکی از ویژگی‌های حکومت و جامعه‌ی مطلوب اسلامی است. ۱. و یکی از علایم و صفت‌های حکومت باطل وضع نامطلوب، وجود گرسنگی، ترس و ناامنی است.

اصل مسؤولیت و عطوفت به طبیعت

آشتی و تناسب و هماهنگی بشر گذشته، جای خود را به برتری انسان بر جهان طبیعت داد. در عصر تجدد، بشر خود را برتر از طبیعت یافت و بر فراز آن قرار گرفت و با بهره‌گیری از دانش و فن‌آوری آن را به انقیاد خویش کشید. از آن دور افتاد و رفته رفته از آن بیگانه شد. با پیدایش انسان سوژه محور طبیعت به مثابه «آبژه» به زیر تیغ کین و ترک‌تازی‌های بشر مغرور و سرمست از باده رهایی و عقل و علم کشیده شد. انسان از دریچه سود طلبی و خصومت به طبیعت نگاه کرد. به قول اریک فروم، نگاه انسان به طبیعت از نوع «داشتن» بود نه «بودن». انسان می‌خواست تا طبیعت را نیز به تملک و سلطه‌ی خویش درآورد. لذا پا از آن فراتر نهاد و به دلیل استعداد و توانایی‌های زاینده‌ی خرد و دانش، در آن دست برد و در آن دخل و تصرف نمود. چشم از و

حس منفعت طلبی آدمی، چشم انسان را از دیدن و پیش بینی کردن این واقعیت که ذخایر طبیعت محدودند و روزی تمام خواهد شد، کور کرد^۱. در نگرش اسلام، طبیعت و جهان دارای عظمت و بزرگی است چون خداوند بر آن سوگند یاد کرده، بسیاری از سوژه‌های قرآن را با نام آن نام‌گذاری کرده و همچنین آنرا مخلوقی تسبیح‌گو و ذی شعور معرفی می‌کند. در هر صورت در نگرش دینی به طبیعت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. «بهره برداری از طبیعت»: انسان به عنوان برترین مخلوق الهی، حق بهره برداری از طبیعت و منابع آن را دارد اما چنانچه قبلاً گفتیم این بهره‌برداری محدود است و محیط و طبیعت ملک خاص هیچ یک از افراد بشر یا نسل‌های بشری نیست که هر گونه که خواست در آن تصرف نماید طبیعت و محیط زیست، میراث همه انسانها است و از نسلی به نسل دیگر انتقال و به ارث می‌رسد. آیه ۳۷ سوره‌ی بقره دقیقاً به این نکته اشاره دارد: «و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین»

۲. «پرهیز از اسراف و تبذیر»: انسانها به بهانه توسعه، زیست و اینکه برترین موجود بر روی زمین‌اند، حق چپاول و نابود کردن منابع محیطی، زیست محیط و کره‌ی زمین را ندارند. این تعرف محدود است و نباید از حد متعادل بگذرد، چون اسراف و تبذیر است و اسراف و تبذیر نیز گناهی کبیره است.

«ان المبذیرین کانوا اخوان الشیاطین»

۳. «تدبیر در طبیعت و هستی»: در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که در آن به پدیده‌های طبیعی اشارات فراوانی رفته است و در غالب آن به مطالعه و تدبیر در آن توصیه شده است. از این زاویه طبیعت صرفاً برای استفاده‌ی بی‌رویه‌ی انسان خلق نشده است، بلکه در بطن و ساختار آن نشانه‌های از عظمت، بزرگی، عبرت، درس آموزی، نظم، انجام و آیات دیگری نهفته است که بدون تردید نشانگر عظمت خداوند است.

اصول مدیریتی شهر در دوران پیامبر اسلام تعیین نقیبان و نمایندگان سرپرست برای مدینه

حضرت رسول اکرم در مقدمه چینی برای هجرت در پیمان عقبه دوم، ۱۲ نماینده از مردم شهر برای ساماندهی و سرپرستی قوم از سوی خود مردم تعیین نمودند. در تاریخ طبری چنین آمده است: «پیامبر فرمود: دوازده نقیب برگزینید که به کار قوم خویش بپردازند و دوازده نقیب برگزیده شد. ابن اسحاق گوید: آنگاه پیامبر به نقیبان گفت: بر کار قوم خویش هستید و سرپرست آنها باشید» (طبری، ۱۳۷۵، ص ۹۵۱). در موارد دیگر نیز حضرت پیامبر در غیاب حضور خود در مدینه جانشینی برای اداره امور شهر برمی‌گزید تا در غیاب او امور شهر را ضبط و ربط کند (عبدالستار عثمان محمد، ۱۳۷۶، ص ۵۰). این امر بیانگر مشارکت مردم و هم‌تعیین سرپرست برای حیطه‌های مختلف اداره امور شهر در ابعاد مختلف می‌باشد.

تغییر نام شهر یثرب به مدینه نمونه‌ای از مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن

حضرت رسول اکرم در بدو ورود به شهر یثرب نام شهر را به مدینه تغییر دادند. معنی لغوی خاصی نیز برای آن (یثرب) یاد کرده‌اند که عبارت از «لوم، فساد و عیب» (جعفریان، ۱۳۷۲، ص ۹۱). رسول اکرم با نهی از کاربرد کلمه یثرب، بجای آن شهر را مدینه و طابه و طابه نامیدند (همان، ص ۹۱). پیامبر فرموده‌اند: کسی که مدینه را یثرب نام‌گذارد باید استغفار کند، مدینه پاک است (نظری منفرد، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵) که نشان از کاربرد و مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن و شروع تغییر مدیریتی از همین بدو ورود پیامبر به شهر مدینه با تغییر نام شهر در راستای خیر و نیکی و برکت بخشیدن به شهر است.

تغییر مفهوم یثرب به مدینه به مفهوم تغییر و تحول مدیریت قبیله‌ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی

با ظهور پیامبر رهبری الهی جایگزین شیخ قبیله‌ای



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۱

و توحید جایگزین شرک و مسئولیت پذیری جایگزین مسئولیت گریزی و مدیریت الهی جایگزین مدیریت شرک آلود گردید. تغییر نام یثرب به مدینه که اشاره گردید سرآغاز عینی تغییر از مدیریت قبیله‌ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی در شهر مدینه پیامبر است. از آن پس است که به جای شنیدن نام قبایل، با نامهایی از قبیل اهل مدینه، اهل قبا، اهل طائف مواجه می شویم و چنین نامهایی بیانگر تحولات فرهنگی و در شهر مدینه پیامبر، روی آوردن به شهرنشینی است (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶، ص ۵). لذا مدیریت شهری جایگزین مدیریت قبیله‌ای گشته و مفهوم شهروند در شهر اسلامی با مدیریت پیامبر متولد گردید.

مشاوره در سیستم مدیریت شهری رسول اکرم

آیاتی نظیر «وشاورهم فی الامر» و «وامرهم شوری بینهم» زمینه ساز مشارکت همگانی در مدینه النبی رسول خدا می باشند که متضمن همکاری و هماهنگی تنگاتنگ مسئولین اداره شهر مدینه با آحاد و توده های مردم مدینه بوده است و حضرت نه فقط در مدیریت جنگها بلکه در مدیریت کلیه شئونات شهری از سیستم مشورتی با صحابه و توده های مردم سود می بردند. تشکیلات و سازمان مدیریتی مبتنی بر بیعت و مشارکت همگانی و تاییدات الهی شکل گرفته و در خدمت امت بود و از استبداد و خودرایی در آن خبری نیست و مدیریت شهری نیز مبتنی بر مشارکت همگانی توده های همگانی بود. اداره امور شهر با مشارکت مومنان و خردمندان و اهل حل و عقل و نخبگان جامعه اسلامی صورت می گیرد. خداوند متعال نیز مشورت را مورد تاکید و تشویق قرار داده و آن را در کنار استجابت دعا، نماز و انفاق مطرح نموده است (ساربانقلی و همکار، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵).

همبستگی نهادهای و قومیتها و طایفه های مختلف شهری در مدیریت شهری حضرت رسول اکرم

آغاز ورود پیامبر به مدینه مصادف است با اختلاف

قومیت‌های مختلف نژادی و قبیله ای در شهر مدینه و نیز اختلافات عمیق دو قبیله اوس و خزرج که توسط یهودیان مدینه نیز آتش این اختلافات دامن زده می شود. تدوین نخستین پیمان نامه عمومی در اسلام در شهر مدینه توسط رسول اکرم در همان نخستین ماههای ورودشان به مدینه که عهدنامه ای است میان مهاجرین و انصار از یک سو و یهود از سوی دیگر سبب مدیریت صحیح شهری در همبستگی نهادهای مختلف مردمی در شهر مدینه گشته است. موارد عمده این پیمان به نقل ابن اسحاق عبارتند از: زندگانی مسلمانان و یهود مانند یک ملت در مدینه، آزادی مسلمانان و یهود در مراسم دینی و عبادی خود، دفاع از همدیگر در صورت حمله دشمن، دفاع مشترک از شهر مدینه، قرارداد صلح با دشمن با مشورت مشترک، حرام شدن خونریزی در مدینه، قبول حکمیت رسول اکرم به عنوان آخرین داور در حین نزاع و اختلاف (نقل به مضمون از: آیتی محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۴ به نقل از هشام، سیره النبی، بیروت، دارالفکر، ج ۲، صص ۱۱۹-۱۲۳).

پیدایش تعلق اجتماعی در محیط شهری مدینه

در نخستین سال ورود حضرت رسول اکرم به مدینه یکی از مهمترین ابتکارات مدیریت شهری و پیوند لایه های مختلف اجتماعی و طبقات مختلف در شهر مدینه افزون بر پیوندهای وحدت بخش دینی پیوند عقد اخوت و برادری بین کلیه مسلمانان اعم از زن و مرد می باشد. رسول خدا در مجلسی عمومی فرمودند: تاخو فی الله اخوین (آیتی محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵). این پیمان برادری همگانی بر مبنای نفی انگیزه های قومی و قبیله ای و بر مبنای محوریت حق و همکاری اجتماعی شهری شکل گرفت.

احیای موقعیت و نقش اجتماعی زنان در مدیریت شهری پیامبر

در گفتمان نبوی و در سیستم مدیریت شهری رسول

اکرم موقعیت و نقش اجتماعی زنان احیا شد و حضورشان در عرصه های مختلف اجتماعی فراگیر شد (جمشیدی ها، غلامرضا و زائری قاسم، ۱۳۸۷، ص ۳۲). نیاز به حضور زنان در عرصه های مختلف حیات جمعی سبب تدوین و تقویت نهاد خانواده و نهاد حجاب در مناسبات شهری جامعه اسلامی در گفتمان نبوی در مدینه النبی گردید. در شرایطی که حضور زنان خدمتکاران و بردگان زن و کنیزان در اجتماع مردانه جاهلی حضوری بدلی و حاشیه ای و حضور زنان طبقات بالا نیز حضوری بدل از حضور مردان اشراف بود و زنان در موقعیت های اجتماعی بودند تا برتری مردان خود (ارباب یا شوهر) را نشان دهند و احترام دیگران را رای او برانگیزند (اروجلو فاطمه، ۱۳۸۴، ص ۳۴). پیامبر زنان را نیز وارد صحنه کرد و به هنگام بیعت با زنان نیز بیعت نمود؛ پیامبر در عصری که مردم فرزند دختر داشتن را ننگ و عار می دانستند و از شنیدن خبر صاحب دختر شدن چه ره درهم می کشیدند، از دخترش به بهترین وجه یاد می کند، او را احترام می کند، لقب ام ابیها به او می دهد و در قرآن هم سوره کوثر در ثنای او می آید و او را خیر کثیر معرفی می کند (لک زایی نجف، ۱۳۷۹).

مدیریت شهری در راستای خلق مفهوم امت اسلامی و وحدت بخشی و خلق مفهوم وحدت در آحاد مردم مدینه

تلاش پیامبر در راستای خلق نظامی شهری و مبتنی بر ارزشهای اسلام و امت واحده است. خداوند در قرآن کریم بارها از مفهوم امت واحد سخن گفته است. پیامبر با انعقاد نخستین پیمان نامه عمومی، به سر سامان دادن اجتماعی، تحکیم وحدت اجتماعی و ایجاد نظام شهروندی پرداخت و با پیمان اخوت، مرزهای، شهری و قبیله ای را تغییر داد و به جای آن مرزهای دینی را بنیان نهاد (عبدالجلیل، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳-۱۲۴). علاوه بر اینکه نظام اعتقادی اسلام سبب نزدیکی شهروندان در مدینه به همدیگر ردید و نماز به سوی قبله ای

واحد تجسم عینی وحدت جامعه اسلامی در قالب امت بود؛ پیامبر با مفاهیمی مدیریتی نظیر برقراری اخوت بین مهاجران و انصار (نظری منفرد علی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)، پیمان با یهود (همان، ص ۱۲۱) و تاسیس مسجد جامع نبوی (شریف قرشی باقر، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷) برای وحدت بخشی و حضور مردم شهر، در عرصه عمل و نظر و کردار و گفتار سبب کمک به ایجاد امت واحده اسلامی و وحدت مردم شهر مدینه گردیدند.

توجه به فضای عرصه های اقتصادی در مدیریت شهری پیامبر

تدارک منابع درآمدی برای تضمین موفقیت سیاستهای شهری و بهینه سازی حیات اقتصادی شهری یک ضرورت است. مدیریت شهری پیامبر در مدینه بدون توجه مناسب به عرصه های اقتصادی و سیاست های روشن اقتصادی نمی توانست به حیات خود ادامه دهد. فقدان عدالت اقتصادی نیز می تواند ضمن وارد کردن آسیب های جدی به باورهای شهری نوپای پیامبر زمینه ساز تشدید دنیاطلبی و فساد گردد. در چنین شرایطی حکم پرداخت زکات اعلام و به مرحله اجرا گذاشته شد (رهبر عباس علی، ۱۳۷۶ به نقل از شاکرند شکرالله و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). از طرفی با دستور زکات از سوی خداوند متعال که بر مسلمانان واجب گشته است، امکان بهره گیری عرصه های اقتصادی نظیر ذکات توسط پیامبر و تحت مدیریت شهری حضرت برای بهبود کیفیت فضاهای شهری میسر بوده است و زکات بخشی از پشتوانه اقتصادی ساخت و ساز در شهر اسلامی مدینه و مدیریت شهری پیامبر را فراهم می نمود. علاوه بر این پیامبر توجه خاصی به فضای بازار در شهر مدینه داشته اند. روایات بسیاری داریم که دخالت پیامبر در تعیین محل بازار در مدینه را تأیید می نماید (سهمودی علی بن عبدالله، بی تا، ص ۷۷۴).



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۳

مسجد پیامبر فضای چندکاربردی و مرکز

مدیریت شهری در شهر پیامبر

تأسیس بنای مسجد از نخستین اقدامات پیامبر در نخستین ماههای هجرت در شهر مدینه است. خود رسول خدا به بنای آن اقدام کرد و اصحاب نیز کمک می کردند (نظری منفرد علی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). پیامبر با ساخت فضای عبادی مسجد النبی که با کمک همه اهالی شهر مدینه و زیر نظر مستقیم پیامبر و با همکاری خود پیامبر ساخته شد؛ این مکان را مکان نماز و حکومت و اعمال مدیریت شهری در مدینه قرار داد. پیامبر علاوه بر برگزاری نمازهای پنج گانه در مسجد، از همان جا به اداره امور می پرداخت و به ارسال نیروهای نظامی و پذیرش نمایندگان قبائل اقدام می نمود؛ قضاوت می کرد و خصومتها و منازعات بین مردم را حل و فصل می کرد. بعلاوه مسجد پیامبر به تدریج به مرکز علمی و فرهنگی بدل شد، دارالشورای مسلمانان در امور عمومی و جنگ و صلح گردید. در عین حال مرکزی اجتماعی برای رسیدگی به نیازمندیهای نیازمندان بود. از این حیث مسجد نهاد عمومی در جامعه اسلامی و رکن اساسی از ارکان دولت پیامبر بود؛ موسسه ای بزرگ که شامل فعالیتهای دینی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی گسترده می شد (فیرحی داود، ۱۳۸۵، صص ۲۰۱-۲۰۲).

هدایت مدیریت شهری در راستای توسعه فضای سبز و افزایش سطح باغهای شهر مدینه

عوامل متعددی توسط حضرت رسول اکرم سبب تشویق مردم به خلق و توسعه فضاهای سبز و باغات و کشاورزی در مدینه گردید. عرف بود که هر کس زمین بایری را آباد کند از آن او باشد (مالک ابن انس، ۱۳۷۰، ص ۷۴۳). افزون بر آن بسیاری از زمینهای زراعی میان اغلب مهاجران به شرط زراعت و باغداری و تداوم فضای سبز تقسیم شده است (بلاذری احمد ابن یحیی، ۱۹۶۵، ص ۲۲).

مدیریت شهری در راستای عمران و آبادانی زمین

آبادانی و عمران شهری از مسائل مورد تأکید در مدیریت شهری پیامبر بوده است. پیامبر فرموده اند: کسی ه زمین مرده ای را آباد کند، متعلق به خود اوست (حدیث شماره ۱۰، میرزایی علی اکبر، ۱۳۸۷، نهج الفصاحه، ص ۱۱-۱۲ و و نیز فرموده اند: بندگان، بندگان خدا هستند و سرزمین ها، سرزمین های خدا هستند پس هر کسی که چیزی (مقداری) از زمین مرده را، آباد کند، متعلق به خود اوست (حدیث شماره ۱۱، همان) و نیز فرموده اند: اگر کسی زمینی را که از آن کسی نیست، آباد کند، خود بدان سزاوارتر است (خرمشاهی بهالدین و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۸۵۹).

مدیریت شهری دانش محور و تقویت نهادهای آموزشی در شهر پیامبر

مدیریت شهری پیامبر علاوه بر اینکه دانش محور بود، عملاً به تقویت نهادهای مدنی و شهری آموزشی در شهر مدینه کوشش می نمود و ساختار مدیریت شهری پیامبر در مدینه همراه به خلق و تقویت نهادهای آموزشی اهتمام داشت. نهضت دینی قرائت و فهم و اجتهاد و استنباط در زمان پیامبر آغاز شد و رفته رفته و به تدریج گسترش یافت (امین احمد، ۱۹۷۲ م، ص ۱۹۸). پیامبر در شهر مدینه با مدیریت نهادهای آموزشی عملاً ستاد فرهنگی و خانه معلم تأسیس نمودند. پیامبر اسلام برای گسترش اسلام و آموزش قرآن، در مدینه خانه مخرمه ابن نوفل را به عنوان دارالقرآ (خانه قاریان) مرکز تربیت معلم قرار داد و از این مرکز معلمان قرآن را به خارج از مدینه و دیگر شهرها اعزام می کرد. «واقعی» نقل می کند عبدالله ابن ام. مکتوم بعد از جنگ بدر همراه مصعب ابن عمیر وارد مدینه شد و در دارالقرآ سکنی گزید (طبقات ابن سعد، ج ۵ به نقل از دکتر ثقفی سید محمد، ۱۳۸۰، ص ۷۶). شهر پیامبر آموزش و یادگیری و تعلیم علم جزو واجبات است. از حضرت نقل شده است: دانش بیاموزید (حدیث شماره ۱۲۵، میرزایی علی اکبر، ۱۳۸۷، نهج الفصاحه، ص ۳۲).

جدول ۵. مولفه های مدیریتی مورد نظر سیره نبوی؛ مأخذ: نگارنده بر اساس ساربانقلی و همکار، ۱۳۸۸.

راهکار مدیریتی	نمود در شهر پیامبر	استفاده در شهرهای معاصر
تعیین نقیبان شهری	(*) انتخاب سرپرست برای مدیریت مباحث گوناگون شهر مدینه، (*) تخصص گرایی در مدیریت شهری مدینه	(*) مدیریت شهری بهینه، (*) تخصص گرایی، (*) انتخاب سرپرست برای حوزه های شهری
تغییر نام شهر	(*) تغییر نام شهر یثرب (فساد و تباهی) به مدینه (پاک و طیب)، (*) تجلی ایده آل های شهری در انتخاب نام های شهری.	(*) انتخاب نام نیکو برای شهر؛ (*) گزینش بهترین نام؛ (*) یادآوری مفاهیم نیکو در شهر؛ (*) فضای ذکر
تغییر مدیریت قبیله ای به مدیریت شهری	(*) تحول مدیریت شهری مدینه از حالت قبیله ای و طایفه ای و قومی به سمت مدیریت شهری؛ (*) دوری از مدیریت مبتنی بر قوم و قبیله و نژاد	(*) پرهیز از مدیریت قبیله ای؛ (*) سوق دهی به مفاهیم مدنی؛ (*) مدیریت بر مبنای مفاهیم شهری؛ (*) پرهیز از رانت های قوم و خویشی در مدیریت شهری
مشاوره در نظام مدیریت شهری	(*) سیستم مدیریتی مشورت محور و حداکثر بهره از مشارکت مردمی و مشورت در شهر مدینه؛ (*) مشارکت دادن مردم در حوزه های مختلف اداره امور شهر مدینه؛ (*) تقویت روح اعتماد به نفس و ارتقای آگاهی عمومی	(*) بهره گیری از نظام مدیریتی شورایی؛ (*) بهره گیری از تخصص های گوناگون در مشورت؛ (*) بهره گیری از حداکثر سیستم مشارکت مردمی؛ (*) امکان مشارکت مردم در اداره و مدیریت شهر در مراحل مختلف سازمانی.
تعلق اجتماعی	(*) تقویت حس مکانی در شهر مدینه؛ (*) تقویت روح جمعی مدنی در شهر مدینه؛ (*) پیمان اخوت در شهر مدینه	(*) مظاهر مدنی شهر؛ (*) تقویت مظاهر زندگی جمعی؛ (*) تضعیف ساختارهای فردی و قومی و قبیله ای در قبال افزایش تعهد و تعلق اجتماعی شهری
احیای نقش اجتماعی زنان	(*) حضور فراگیر زنان در عرصه های زندگی شهری مدینه؛ (*) احیای موقعیت و نقش اجتماعی زن؛ (*) کنش متقابل اجتماعی با در نظر گرفتن مفهوم حجاب	(*) توجه مباحث کرامت و حفظ حقوق زن در عرصه شهری؛ (*) مدیریت مبتنی بر نقش زنان در فضاهای شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۵

مفهوم امت اسلامی	(*) نظام شهروندی مبتنی بر ارزشهای انسانی و دینی در شهر مدینه؛ (*) پیمان اخوت و برادی میان مهاجران و انصار در شهر مدینه؛ (*) تاسیس مرکزیت مدیریت شهری در قالب مسجد نبوی در شهر مدینه؛ (*) پیمان با یهود محوریت حق و کلمه توحید؛ (*) مقابله با موانع وحدت در مدیریت شهری؛ (*) مدینه: تخریب مسجد ضرار مدینه	(*) مرزهای عام و جهانشمول دینی به جای مرزهای محدود فیزیکی؛ (*) نظام مبتنی بر ارزشهای انسانی؛ (*) ایجاد روحیه الفت و پیوند میان طبقات مختلف جامعه شهری؛ (*) مرکزیت واحد در مدیریت شهری تمرکز مدیریتی؛ (*) مرکز هماهنگی واحد در ساختارهای شهری؛ (*) تقویت نهادهای وحدت بخش شهری؛ (*) حذف موانع وحدت بخشی در شهر.
موقعیت اقتصادی	(*) بهره گیری از فضای اقتصادی در شهر مدینه؛ (*) اخراج از تعرب به تحضر در شهر مدینه.	(*) تبدیل تهدید به فرصت در عرصه مدیریت شهری؛ (*) تقویت ساختارهای شهری و شهرنشینی.
توجه به عرصه های اقتصادی	(*) توجه به مفهوم عدالت اقتصادی در عرصه های مدیریت شهری مدینه؛ (*) وجوب ذکات به عنوان یکی از پشتوانه های تقویت کننده اقتصاد شهری؛ (*) توجه به فضای بازار و عرصه اقتصاد شهری؛ (*) دخالت پیامبر در تعیین محل بازار در مدینه؛ (*) تاسیس بازار مستقل برای مسلمانان شهر مدینه	(*) سیاست های روشن اقتصادی؛ (*) توجه به مفهوم عدالت اجتماعی در تولید و توزیع ثروت اجتماعی؛ (*) معیار دینی برای تولید و توزیع فعالیت های اقتصادی؛ (*) توجه به مکان گزینی مناسب فضای بازار و مکان های فعالیت های اقتصادی در شهر؛ (*) تاسیس فضاهای مستقل اقتصادی در فضاهای شهری؛ (*) توجه به تولیدات داخلی.
تعاون و همکاری	(*) احیای روحیه تعاون و همکاری در تمام سطح مدیریت شهری مدینه؛ (*) اصل کلی مدیریت شهری مدینه؛ (*) مرکزیت اجتماعی و شهری و فرهنگی و آموزشی مدینه با تعاون همه شهروندان؛ (*) مشورت های مدیریتی پیامبر و خلق روحیه تعاون و همکاری در تمامی سطوح	(*) احیای روحیه تعاون و همکاری در تمام سطح مدیریت شهری؛ (*) همکاری و تعاون شهروندان در ساخت مراکز شهری؛ (*) ایجاد روحیه پاسخگویی متقابل در تمامی سطوح مدیریت شهری؛ (*) تعاون و همکاری در جنگ و صلح، در سفر و حضر برای مباحث مختلف شهری.
وقف	(*) پیامبر اکرم (ص) مبدع سنت وقف در شهر مدینه؛ (*) ساخت و ساز شهری در مدینه؛ (*) تداوم حیات فضاهای وقف شده؛ (*) افزایش فعالیت عمرانی با سنت وقف	(*) تداوم مدیریت فضاهای شهری؛ (*) ساخت و ساز و عمران شهری؛ (*) ارتباط معنوی با مفاهیم مذهبی بقای آثار موقوفه؛ (*) ترمیم و مرمت ابنیه موقوفی در شهر حفظ فضاهای شهری.

(*) تاسیس بنای مسجد اولین اقدام عمرانی پیامبر در شهر مدینه؛ (*) با کمک همه اهالی مدینه و زیر نظارت و طراحی شخص پیامبر ساخته شده؛ مکان نماز، حکومت فضای عبادی، فضای شهری+ مرکز مدیریت شهری؛ (*) مرکز اداره کلیه امور شهر و مرکز ارتباط با مردم و قضاوت و فضای فرهنگی و مکان رفع اختلافات و مرکز اجتماعی و نهاد عمومی	مسجد فضای چند کاربردی و مرکز مدیریت شهری
(*) اهمیت وجود فضاهای بهداشتی در فضاهای شهری؛ (*) توزیع متناسب فضاهای خدماتی بهداشت در عرصه شهر؛ (*) توجه به مدیریت بهینه بهداشت آب؛ (*) مدیریت دفع مواد زاید، بهداشت اماکن عمومی، بهداشت صوتی و حفظ محیط زیست در شهر پیامبر	فضاهای بهداشتی
(*) افزایش سطح فضای سبز در ابعاد خرد و کلان شهری؛ حیاط، پارک، فضای سبز (رفیوژ)؛ (*) اهمیت به فضاهای سبز ایجاد شده توسط شهروندان.	توسعه فضای سبز
(*) توجه ویژه به اصحاب صفه مدینه؛ (*) سکونت موقت محرومان نگرش کوتاه مدت در کنار نگرش بلندمدت به محرومان شهر مدینه؛ (*) حل مسکن و خوراک؛ (*) فرصتهای شغلی دائمی برای اصحاب صفه؛ (*) توصیه های اخلاقی برنامه ریزی مدیریتی در راستای ایجاد زندگی معمولی و آبرومند برای اصحاب صفه.	ساماندهی بی-خانمان ها
(*) تقویت نهادهای آموزشی و یادگیری در فضاهای شهری؛ (*) گسترش فضاها و نهادهای علمی؛ (*) دسترسی آسان به اطلاعات شهر؛ (*) سهولت دسترسی به دانش در سطح مدیریت شهری برای شهروندان.	دانش محوری



نمودار ۱۱. فرایند ظهور مصادیق شهر اسلامی؛ مأخذ: نقی زاده؛ ۱۳۸۹.

نتیجه گیری و جمع‌بندی

در نگرش دینی به دلیل حضور خداوند، اعتقاد به اصل توحید و مسؤولیت انسان و همچنین این نکته که سعادت انسان صرفاً در شادی و مصرف به حد و حصر و ارضا غرایز صرف حیوانی نیست، نگرش و رفتار انسان به طبیعت نیز متفاوت است. از این رو انسان تلاش ندارد تا به نحوی افراطی بر طبیعت مسلط و چیره شود و آنرا صرفاً به خاطر ارضای خواسته‌ای نفسانیش نابود نماید. انسان در این چهارچوب خویشتن را در برابر طبیعت و هستی مسؤول و موظف می‌داند، گرچه بر آن سلطه دارد و در آن دخل و تصرف می‌کند، ولی تصرفش بی حد و حصر نیست. او به هستی و طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند و موجودی ذی شعور، احترام و حرمت قابل است. آن را متعلق به خود نمی‌داند تا هر گونه که خواست با آن رفتار نماید. طبیعت را متعلق به خدا

و دیگر مخلوقات و دیگر انسانها می‌بیند. در عصر تجدد، طبیعت به مثابه‌ی دشمن انسان رسمیت یافت و بشر وظیفه خود دانست تا در آن دخل و تصرف نماید و آنرا زیر چنگال سلطه‌آمیز خویش قرار داد. انسان با خصومتی وصف ناپذیر جهان را عرصه‌ی تاخت و تاز ارضا غرایز خویش ساخت بدون آنکه به عواقب چنین عمل خودسرانه‌ای بیندیشد. به طور خلاصه در جامعه اسلامی (یا شهر آرمانی)، دادگری و عدالت محور تمامی فعالیت‌ها است و در این اصل در آن برقرار است. عدالت و دادگری به منزله یکی از خصوصیات مؤمن و جامعه اسلامی و همچنین به منزله‌ی یکی از اهداف چنین جامعه ای، راهگشای روابط زندگی فرد و جامعه است. فرد مؤمن بر این قاعده زندگی خویش را پی می‌ریزد و با دیگر انسانها ایجاد رابطه می‌کند. این معیار نه تنها میزان ارتباط وی با مسلمانان بلکه شاخص رفتار وی

با دیگران نیز می‌باشد. در حوزه‌ی حکومت، سیاست و قضاوت نیز اسلام فرمان به عدالت می‌دهد. قرآن کریم ضمن یادآوری اینکه مسؤولیتها و امانتها را باید به شایستگان با کفایتان آن سپرد. بیان می‌دارد که هر گاه میان مردم حکم و فرمانی را ندید، به عدالت حکم کنید. ۱ لذا قاعده‌ی عدالت، در حوزه‌ی زندگی اجتماعی و روابط میان مردم و حکومت، قاعده‌ی بنیادین است و طرفین به منظور سامان و تداوم نظم و نظام سیاسی باید آنرا پاس بدارند. چنانچه مردم و حکومت، بر تحقق و استحکام چنین معیاری اصرار بورزند، نظم، امنیت، رفاه و ثبات و تداوم حکومتشان تحقق خواهد یافت و چنانچه آنرا پاس ندارند و حرمتش را زیر پا نهند، نظم اجتماعی و زندگی سیاسی دچار چالش و تهدید خواهد شد و نهایتاً به ظلم و ستم و در نتیجه به سقوط و انحطاط خواهد انجامید. در هر صورت به نظر می‌آید یکی دیگر از مؤلفه‌های شهر اسلامی، آزادی است. این آزادی مشمول تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، دینی و سیاسی است. و در جامعه اسلامی وظیفه شهروندان و دولت نسبت به یکدیگر این است که حق را پاس بدارند. در همین چهارچوب باید گفت که تحقق سعادت و خبر حقیقی، در اندیشه دینی که به وسیله‌ی ایمان به خدا و انجام مناسک و عبادت الهی و در یک کلام در گرو کسب رضایت پروردگار به دست می‌آید، منوط به تحقق امنیت در انجام مناسک و عبادات الهی است. تا زمانی که در جامعه و اجتماعی فرد در آرامش و امنیت نباشد و دغدغه اساسی وی برآوردن امنیت باشد. امکان پرداختن وی به فضایل و خیرات بالاتر و آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی خود به خود منتفی است. در هر صورت به نظر می‌آید شرط اساسی تحقق خیر و سعادت حقیقی جامعه منوط به تحقق و استحکام «امنیت» است. از مطالب گذشته چنین می‌توان نتیجه گرفت که شهر یا جامعه‌ی اسلامی معطوف به اصول و مبانی و نوعی نگرش خاص نیست به هستی، انسان و آخرت و خدا است. این مبانی و

اصول اساساً ویژگی‌ها و خصلت‌های شهر اسلامی را توضیح می‌دهد. شهر نظم اجتماعی که متکی به چنین نگرش و اصولی باشد و روابط افراد و نظم اجتماعی بر مبنای آن شکل پذیرفته باشد. شهری اسلامی است و شهری که نظم و روابط اجتماعی اش مبتنی بر این اصول نباشد، شهری اسلامی نیست. انسان در برابر بهره‌مندی از طبیعت مسئول است و در این باده از وی بازخواست خواهد قرار می‌گیرد. همانگونه که هر کسی نسبت به دیگری مسؤول است. «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت» در مقابل طبیعت و ابعاد آن نیز مسؤول است و نمی‌تواند نسبت به سرنوشت و سرانجام آن غافل و احساس بی مسؤولیتی کند. در هر صورت در جامعه آرمانی (یا شهر اسلامی) انسان با طبیعت همساز، یکسان و انیس است. شهر اسلامی به نحوی بنا و پی ریزی نمی‌شود که نشانگر مخالفت انسان، طبیعت باشد. روحیه اسلامی و نگرش فرد دیندار به جهان پیرامون خود به آنها اجازه نمی‌دهد که با طبیعت دشمنی ورزند، در آن دخل و تصرف بی‌اندازه کنند و بر آن صدمه و زیان بی‌حد و حصر رسانند. انسان به عنوان موجودی مسؤول در برابر طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند، مسؤولیت و وظیفه دارد. گرچه انسان در عرصه طبیعت دخالت می‌کند اما آن را دفتری برای علم‌آموزی، معرفت، کسب دانش، عبرت، آیت و عظمت خداوند می‌بیند. فهم و درک مفاهیم مدیریت شهری پیامبر مستلزم درک مبانی و مفاهیم سیره پیامبر و توجه هم‌زمان به منابع اصیل اسلامی و دانش مدیریت شهری است. نگرشهای مدیریت شهری پیامبر در مدینه امکان حصول و کاربرد در شهرهای امروزی ما را نیز داراست. رجوع به سنت پیامبر و بررسی مباحث مطرح شده در شیوه‌های مدیریت شهری پیامبر در مدینه ما را به چشم اندازهای مدیریت شهری ای می‌رساند که متأسفانه امروزه از این ساحت‌های گسترده حکمت و معرفت نبوی در جهان امروز و شهرهای معاصر و شهرسازی امروز و جامعه امروز خبری نیست. مفاهیم مدیریت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۹

شهری حضرت رسول اکرم در شهر مدینه به عنوان نمودی از تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی در قالب محورهای: تعیین نقیبان و نمایندگان سرپرست برای مدینه، تغییر نام شهر یثرب به مدینه نمونه ای از مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن، تغییر مفهوم یثرب به مدینه به مفهوم تغییر و تحول مدیریت قبیله ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی، مشاوره در سیستم مدیریت شهری رسول اکرم، همبستگی نهادهای و قومیتها و طایفه های مختلف شهری در مدیریت شهری حضرت رسول اکرم، پیدایش تعلق اجتماعی در محیط شهری مدینه، اهمیت ویژه به شهرنشینی و اهمیت شهر در قبال کوچ نشینی و بیابانگردی، احیای موقعیت و نقش اجتماعی زنان در مدیریت شهری پیامبر، مدیریت شهری در راستای خلق مفهوم امت اسلامی و وحدت بخشی و خلق مفهوم وحدت در آحاد مردم مدینه، بهره گیری از موقعیت های اقتصادی برای تداوم و تحکیم مدیریت شهری در شهر پیامبر، توجه به فضای عرصه های اقتصادی در مدیریت شهری پیامبر، جوان گرایی در حیطه مدیریت شهری، ثبت آمار و توجه به واقعیات موجود در مدیریت شهری پیامبر، ایجاد روحیه تعاون و همکاری در تمامی نیروهای انسانی سطوح شهری مدینه، تداوم مدیریت فضاهای شهری با سنت وقف در شهر مدینه، مسجد پیامبر فضای چند کاربردی و مرکز مدیریت شهری در شهر پیامبر، مدیریت شهری امور مربوط به بهداشت و فضاهای بهداشتی در شهر پیامبر، مدیریت شهری پیامبر و شیوه های گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی مدینه، هدایت مدیریت شهری در راستای توسعه فضای سبز و افزایش سطح باغهای شهر مدینه، مدیریت شهری در راستای عمران و آبادانی زمین، مدیریت شهری در ساماندهی به بی خانمان ها و مهاجرین فاقد قدرت مالی مناسب و رسیدگی به محرومان، مدیریت شهری دانش محور و تقویت نهادهای آموزشی در شهر پیامبر؛ قابل تبیین است که مورد

اشاره قرار گرفت. در پایان باید گفت که در شهر اسلامی، اصل اساسی اعتقاد انسان به خدا، حاکمیت وی، ایمان به جهان آخرت و جهان ماورا طبیعه است. در جامعه اسلامی یا در یک شهر اسلامی تمامی انسانها دارای نوعی برداشت مشترک در این ارتباط اند. محور چنین نگرشی اصل حاکمیت خدا است. ایمان به وی و اینکه خداوند در زندگی بشر حضور دارد، برداشت انسان از نفس خود، جهان و طبیعت و رابطه ی خود با آنها را دگرگون می کند. در این چهارچوب سعادت و خیر حقیقی به عنوان بزرگترین آرمان بشر کسب رضایت خدا است، و انسان در این فضا است که به تلاش و تکاپو می پردازد. در هر صورت شهر اسلامی زمانی تحقق می یابد که افراد در عالم دینی قرار گیرند و به این اصول و مبانی ایمان داشته باشند. شهری اسلامی بدون تردید با ساختن مسجد، حسینیه، و مظاهر دینی و اسلامی نمی شود بلکه در صورتی تحقق می یابد که عالم دینی تحقق یافته باشد.

منابع و مآخذ

آخوندی و دیگران، (۱۳۸۷)، «آسیب شناسی مدل اداره شهر در ایران»، مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۶۳.

اروجلو، فاطمه (۱۳۸۴) حضرت محمد(ص) و مقابله با اشرافی گری، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۲، قم، انتشارات دانشگاه باقرالعلوم.

اکرمی، ابوالفضل (۱۳۷۵) بازار در تمدن اسلامی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام جعفر صادق، سال اول، شماره سوم.

امین، احمد (۱۳۷۲) فجرالاسلام ج ۱، قاهره، مکتبه النهضة المصرية.

اهلرز، اکهرت (۱۳۷۴) موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی، ترجمه دکتر مصطفی مومنی و دکتر محمدحسن ضیا توانا، نشریه میراث جاودان، تابستان ۱۳۷۴، شماره ۱۰، سال سوم، شماره ۲.

اورانجی، مارک، (۱۳۸۷)، «برنامه ریزی و چرخش پسامدرن: در کتاب آینده برنامه ریزی»، مترجم:

جعفریان، رسول (۱۳۷۲) نفوذ اسلام در یثرب، فصلنامه میقات حج، سال دوم شماره ۱۰، ششم، حوزه نمایندگی ولی فقیه در حج و زیارت، تهران. جمشیدی ها، غلامرضا و زائری قاسم (۱۳۸۷) سیاست گذاری فرهنگی پیامبر اسلام و تاثیر آن بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، تهران، دوره ۶، شماره ۴.

حتی، فیلیپ (۱۹۶۵) تاریخ العرب ج ۱، بیروت، بی نا.

حریری، محمد یوسف (۱۳۶۲) اسلام و عقاید اقتصادی، انتشارات امیری، تهران. خاکرند، شکر الله و دیگران (۱۳۸۶) پیامبر اسلام (ص) و جهان بینی تمدن ساز دینی، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شیراز، بهار ۸۶.

خامنه ای، علی، بی تا، درس هایی از نهج البلاغه، تهران، انتشارات سید جمال.

خرمشاهی، بهالدین و انصاری مسعود (۱۳۸۷) پیام پیامبر مجموعه ای از نامه ها، وصایا، دعاها و تفسیرها و سخنان جامع و فراگیر حضرت محمد (ص)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

خویی، ابولقاسم (۱۹۹۶) البیان فی التفسیر القرآن، ج ۱، نجف، مطبعة الاداب.

داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲) شهر و ساکنانش، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۷.

رسولی، محلاتی (۱۳۸۵) زندگانی حضرت محمد(ص) خاتم النبیین، چاپ ۲۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

رضایان، علی (۱۳۷۶) اصول مدیریت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت، تهران، چاپ هشتم.

رهبر، عباس علی (۱۳۷۶) شیعه و فرهنگ توسعه، فصلنامه حکومت اسلامی اندیشه و فقه سیاسی اسلام، پاییز ۷۶، شماره ۵، وابسته به دبیرخانه

عارف اقوامی، انتشارات آذرخش، تهران. آیتی، محمدابراهیم (۱۳۶۶) تاریخ پیامبر اسلام، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، تهران.

ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۷) «بررسی جامعه شناختی شوراهای اسلامی با رویکرد کیفی نظریه بنیانی»، پژوهشنامه شوراها، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.

ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۷) «بررسی نقش سازمان های غیر دولتی در توسعه شهری» مجموعه مقالات مدیریت شهری پایدار، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

برکپور، ناصر و ایرج اسدی، (۱۳۸۸) «مدیریت و حکمروایی شهری»، انتشارات دانشگاه هنر، تهران. برکپور، ناصر، (۱۳۸۱) «گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران»، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.

برکپور، ناصر، (۱۳۸۵)، «حاکمیت شهری و نظام اداره شهرها در ایران»، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، شیراز.

بلادری، احمد ابن یحیی (۱۹۶۵) فتوح البلدان، ج ۱، تحقیق صلاح الدین منجد، القاهرة.

پرهیزکار، کمال، (۱۳۸۲) «تئوریهای مدیریت»، انتشارات آگاه.

ترنر، برایان اس (۱۳۸۰) وبر و اسلام، ترجمه حسین بستان، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

ترنر، مارک و دیوید هیوم، (۱۳۸۴) «حاکمیت، مدیریت و توسعه»، مترجم: عباس منوریان، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و بازرگانی.

تصدیقی، علی، (۱۳۸۳) «نظریه حاکمیت خوب، توانمندسازی دولت»، طرح پژوهشی حاکمیت خوب (۶)، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

ثقفی، سیدمحمد (۱۳۸۰) علم و اندیشه در تمدن اسلامی، فعالیت آموزشی در زمان پیامبر (ص)، درسهایی از مکتب اسلام، قم، سال ۴۱، شماره ۴، تیرماه ۱۳۸۰، شماره ۴۸۴.

- مجلس خبرگان رهبری، قم.
رودگر، محمدجواد (۱۳۸۵) اصول اخلاقی در مدیریت نبوی، فصل نامه حکومت اسلامی، شماره ۴۲، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان، وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم.
- ساربانقلی، حسن و حسین ذبیحی (۱۳۸۸) نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی؛ فراسوی مدیریت، شماره ۳.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵) فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (ص)، بوستان کتاب، قم.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹) مدیریت شهری، سازمان شهرداریهای کشور، جلد یازدهم، تهران.
- سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹) «مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری»، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- سهمودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۴) وفای الوفا ج ۱، تحقیق محی الدین عبدالحمید، القاهرة، بی نا.
- سیف الدینی، فرانک (۱۳۷۸) روند شهرنشینی مساله شهرهای بزرگ، نشریه علمی پژوهشی پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۲۱.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹) «مفهوم، مبانی و چالش های مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، س ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹.
- طاهری، ابولقاسم، (۱۳۷۰)، «حکومت محلی و عدم تمرکز»، انتشارات قومس، تهران.
- عسگری، علی و همکاران، (۱۳۸۲) «طرح تحقیقاتی: طراحی سیستم مدیریت مجموعه های شهری»، جلد دوم، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور.
- فاینشتاین، سوزان و نورمن فاینشتاین، (۱۳۸۰)، «برنامه ریزی شهری و ارزشهای سیاسی»، مترجم: ناصر برکپور، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
- لاله پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»،
- فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۰ و ۱۹، سال ۶.
- مهدیزاده و دیگران، (۱۳۸۲)، «برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی.
- مهدیزاده، جواد، (۱۳۸۰)، «به سوی شهرسازی دموکراتیک»، مجله مدیریت شهری، شماره ۵.
- هربرت جی، هیکس سی، ری گولت، (۱۳۷۷)، «تئوریهای سازمان و مدیریت»، مترجم: دکتر گوئل کهن، انتشارات دوران، تهران.
- Astleithner, F and Hamedinger, A., (2003), Urban Sustainability as a New Form of Governance: Obstacles and Potentials in Case of Vienna, Journal of Innovation, Vol. 16, No.1, pp. 51-75.
- Clark, Brian, D., (1981), Urban Planning in Iran: Chang and Development in the Middle East, British library.
- Counsell, Dave and Graham Houghton, (2006), Advancing Together in Yorkshire and Humber in book: territory, identity and spatial planning.
- Hall, Peter and Ulrich Pfeiffer, (2000), Urban Future 21, spon press.
- Healey, P., (2006), Collaborative Planning, second edition, Palgrave macmillan.
- Jain, A. K., (2003), Actioning New Partnerships for Indian Cities, Cities, Vol.21, No.1, pp. 41-55.
- Jonathan S., Davies, (2002), The Governance of Urban Regeneration: A Critique of the Governance Without Government, public Administration, Vol. 80, No. 2.
- Macleod, Gordon and Martin Jones, (2006), Mapping the Geographies of UK Devolution, in book: Territory, identity, Spatial Planning, P. 336-339.
- Mary Kauzya, John, (2003), Local Governance Capacity Building for Rang Participation in Africa Countries, Discussion Paper Seris, No.33, Avail-

able at: www.cdt.iao.florence.it

Mc Gill, R., (1994), Institution Development and the Notion of Sustainability, the International Journal of Public sector Management, Vol. 6-7, ABI, Inform Global, Pg.26, pp. 26-40.

Mc Gill, R., (1998), Urban Management in Developing Countries, Cities, Vol. 15, No.6, pp. 463-471.

Mehta, (1998: p. 6, 1998), Some Attributes of Good Governance and Cities, Urban Governance: Lessons from Best practicea in Asia, UMP-Asia occasional paper, No.40

Morphet, Janice, Global Localism, in book: Territory, identity, Spatial Planning, P. 308.

Osziak, Oscar, (2000), Building Capacity for Governance in Argentina, Asia Review of public Administration, Vol. 7, No. 10.

Pacione, M., (2005), Urban Geography, second edition by Routledge.

Plerre.j-petters, G. (2000), Governance, Politices and the State, Macmillan press, London, P:2).

Rakodi, C., (2001), Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries, Journal of JAG I Volume 3 - Issue 3.

Salet, William & et al, (2003), Metropolitan Governance and Spatial Planning, London, spon press.

Williams, G., (1999), Metropolitan Governance and Strategic Planning: A Review of Experience in Manchester, Melbourne and Toronto, Journal of Progress in Planning 52, 1-100



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

■ ۳۵۳ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

■ ۳۵۴ ■